

مقدمه

حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که آفریدگار جهان و جهانیان است. او را پرستش می‌کنیم که سزاوار ستایش است و از او مدد می‌جوییم که او یاری دهنده بندگان است. حاجی سبزواری چه زیبا فرموده است:

ازمه الامور طرأ يده^۱ والكل مستمدة من مدده

خدای را سپاس با عنایتی که بر این بندۀ ناچیز فرمود توانستم در ادامه مباحث قصاص و دیات کتاب ارزشمند مبانی تکملة المنهاج استاد بزرگوارم مرحوم آیت الله العظمی خویی (قدّه)، مبحث «حدود» را با همان روش دو مجلد پیشین ترجمه و در مواردی که نیازمند توضیح بیشتر بوده و یا استنباط متفاوتی به نظر اینجانب رسیده است تعلیقه بزنم و به انجام برسانم.

بدون تردید اقامه حدود از اهمیت خاصی در جامعه اسلامی برخوردار است؛ زیرا اداره جامعه، حفظ نظام، رعایت حقوق مردم و برپایی عدل و قسط وابسته به وضع مقررات و محدود کردن آزادیهای مطلق است. تأدیب خطاکاران و مجازات مجرمان می‌تواند اموال، جان و عرض مردم را تضمین کند. از این رو سیره عقلا در همه زمانها و مکانها بر این امر استقرار یافته که مقررات و قوانینی در زمینه تعیین جرایم و کیفیت مجازات مرتکبین به آن جرمها وضع گردد و طبیعی است اسلام به عنوان یک دین مدعی اداره جامعه نمی‌تواند از این بنای عقلایی

۱. زمام همه امور در دست قدرت الهی است و همه از او مدد می‌گیرند.

مستثنی باشد. حدود از احکام بازدارنده‌ای است که خداوند متعال آنها را وضع کرده تا انسانها از ارتکاب به منهیات و ترک آنچه بدان امر شده‌اند، منع گردند که خود بر دو قسم‌اند: حقوق الله مانند حد زنا، شرب خمر، محاربه و ارتداد و حقوق الناس مانند حد قذف و سرفت.

در اهمیت و اهتمام شریعت اسلامی بر اقامه حدود الهی روایات بسیاری وارد شده است که می‌توان به روایتی از عبدالرحمن بن حجاج در بیان این فقره از آیه ۱۹ سوره روم که فرمود: «يُخْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْبِتِهَا»، اشاره کرد: قال: «لَيْسَ يُخْيِي بِالْقَطْرِ وَلَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجَالًا فَيُخْيِيُ الْأَرْضَ لِإِحْيَا الْعَدْلِ وَلِإِقَامَةِ الْحَدِّ لِلَّهِ أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»: امام(ع) فرمود: مراد آیه احیای زمین با باران نیست، بلکه خداوند مردانی را بر می‌گزیند تا عدل را بر پا دارند و زمین زنده می‌شود با زنده شدن عدل و اقامه حد الهی. این امر نفعش از بارش چهل شبانه روز باران بیشتر است (وسائل الشیعه، ج ۲۸، باب ۱ از ابواب مقدمات حدود، ح ۳). البته باید یادآوری کرد که اسلام برغم اهتمام به اجرای حدود به یک نکته اساسی همواره تأکید دارد که هنگام اجرای حد الهی باید از محدوده تعین شده پا فراتر گذاشت: تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْدُوهَا وَقَنْ يَتَعَدَّ حُدُودُ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره/ ۲۲۹).

اینجانب به حول و قوه پروردگار بیش از شش دهه به تدریس در مدارس علوم دینی و دانشگاهها موفق شده‌ام و همواره بر این نعمت بزرگ شکرگزار بوده‌ام و این دعا را در حق اساتید و شاگردانم زمزمه کرده‌ام:

اللهم اغفر لمن علمتني شيئاً و لمن تعلم مني شيئاً: خدايا يامرز کسي را که من علمي از او آموخته‌ام و کسی که از من علمی فراگرفته است.

و همواره به دانشجویانم متذکر شده‌ام که در مباحث علمی تسليم محض نباشد و به خود جرأت اندیشیدن بدھید و در مطالعات قرآنی و روایی، خود را به تفکر و ادار کنید و سعی کرده‌ام در حد توان به این گفته‌ام عمل کنم، برای نمونه به یکی از مباحث مطرح در حدود اشاره می‌کنم:

علامه حلی در قواعد (۵۲۳/۳) می‌گوید: اگر زانی پس از اقرار نزد حاکم توبه کند امام مجاز به عفو اوست و فرقی میان جلد و رجم نیست. محقق حلی در شرایع نیز همین نظر را بیان می‌کند (۱۴۴/۱). محقق خوبی در مبانی تکملة المنهاج این رأی را تأیید می‌کند با این تفاوت که اگر اقرار کننده توبه هم نکند امام می‌تواند او را عفو کند. به نظر می‌رسد بعد از اثبات جرم خواه باین و خواه اقرار امام حق عفو حدود الهی را ندارد و باید اجرای حد کند و طبیعی است نایب امام نیز چنین حقی ندارد و عفو امام پس از اقرار فاقد دلیل است و روایتی که قائلین به تحریر بدان استناد می‌کند خود مؤید و تقویت کننده نظر ماست. روایت، صحیحه ضریس کناسی است که می‌فرماید: و لا یعفی عن الحدود التي لله دون الامام(ع) فاما ما كان من حق الناس فلباس بان یعفی عنه دون الامام(ع) (وسائل الشیعه، ج ۲۸، باب ۱۸ از ابواب مقدمات حدود، ح ۱). قائلین به تحریر، این صحیحه را چنین معنا کرده‌اند: حدود الهی را کسی غیر از امام نمی‌تواند عفو کند و اما حق الناس را غیر امام می‌تواند عفو کند.

این برداشت از روایت چند اشکال دارد: اولاً، در این حدیث صحبتی از اقرار به میان نیامده است و جرایم حدی اثبات شده باین را نیز شامل می‌شود در حالی که احدی از فقها بر مجاز بودن امام در عفو حدود الهی اثبات شده باین فتوا نداده‌اند؛ ثانياً، در این حدیث سخنی از توبه نیامده است، در حالی که قائلین به تحریر غیر از محقق خوبی (قده) توبه را شرط عفو امام می‌دانند؛ ثالثاً، اگر «دون» در فقره اول روایت به معنای «غیر» باشد باید فعل از حالت مجھول به معلوم مبدل شود و امام بفرماید: و لا یعفو عن الحدود التي لله دون الامام(ع).

بنابراین، به نظر می‌رسد باید روایت چنین معنابشود: حدود الهی را که نزد امام(ع) ثابت می‌شود (خواه با بینه و خواه با اقرار) نمی‌توان عفو کرد. یکی از مؤیدات این برداشت از روایت، معتبره سعد بن طریف از اصیخ بن نباته است که زنی نزد امیرمؤمنان(ع) آمد و اقرار به زنا کرد و از حضرت خواست با اجرای حد او را پاک کند و امام به اتحای مختلف او را برگردانید و هر یار اقرار را به مثابه یک شهادت داشت و در پایان فرمود: «اللهم أَنْهَ قَدْ أَثْبَتَ ذَلِكَ عَلَيْهَا أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ» و در نهایت اکراه مجبور به اجرای حد شد (همانجا، باب ۱۶ از ابواب حد زنا، ح ۱ و ۲). بنابراین، اگر جرمی حتی با اقرار ثابت شود خواه مجرم توبه کند و خواه نکند امام نمی‌تواند او را عفو کند و یا روایتی که امیرمؤمنان(ع) فرمود: احدي از شما درباره حدی که به امام رسیده است شفاعت نکند؛ زیرا امام مالک آن نیست (حق عفو ندارد) و اگر حد به امام نرسد (یعنی نزد امام ثابت نشود) و تو در مجرم نشانه‌های ندامت را دیدی شفاعت کن (وَاشْفَعْ فِيمَا لَمْ يَتَلَقَّ الْإِيمَانَ إِذَا رَأَيْتَ النَّسَمَ) (همانجا، باب ۲۰ از ابواب مقدمات حدود، ح ۴).

در پایان این مقدمه از سرکار خانم عذرآقبله‌ای که مانند مجلدات پیشین ویرایش این کتاب را بر عهده داشت و احتمال می‌دهم به جهت ضعف مزاجی و مشکل بینایی ام مجبور شده است در مواردی به اصل روایات و متون فقهی مورد استناد بnde مراجعه کند و از این روز حمت مضاعفی را بر عهده گرفته تشکر و برای موفقیت‌اش دعا می‌کنم و به روح استادم آیت الله العظمی خوبی درود می‌فرستم.

خلیل قبله‌ای خوبی

۱۳۹۰

* مطالی که درون متن داخل پرانتز آمده و پاورقیهای ستاره‌دار از مترجم است.